

بحران گرجستان و قدرت‌های حاضر در منطقه

علیرضا کوهکن^۱

(تاریخ دریافت ۸۷/۷/۱۵ - تاریخ تصویب ۸۷/۸/۲۸)

چکیده

بحران قفقاز جنوبی اگر چه مدت کوتاهی به شکل حاد و نظامی رخ نمود، اما به روشنی خبر از تحولاتی مشخص در عرصه منطقه و حتی روابط بین‌الملل داشت؛ به گونه‌ای که برخی احتمال شکل‌گیری جنگ سردی جدید را مطرح نمودند. این نوشتار ابتدا، به صورت مختصر، به نحوه شکل‌گیری این بحران در گرجستان و سپس به چگونگی ادامه آن به صورت درگیری نظامی میان روسیه و گرجستان می‌پردازد. در ادامه این مقاله، تأثیر این بحران بر هر کدام از قدرت‌های حاضر در منطقه قفقاز شامل روسیه، ناتو، اتحادیه اروپایی و ایالات متحده را بررسی کرده و مهم‌ترین تغییرات در وضعیت آنها در منطقه را مورد توجه قرار خواهد داد. قسمت پایانی این نوشتار نیز، به بررسی وضعیت جمهوری اسلامی در منطقه پس از این بحران پرداخته و پیشنهادهای را برای دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌نماید.

واژگان کلیدی: بحران گرجستان، روسیه، ناتو، ایالات متحده، اتحادیه اروپایی، ایران.

مقدمه

بحران قفقاز اگر چه در مدت کوتاهی به نقطه عطف رسید و بعد هم فروکش کرد، اما به روشنی نشان‌دهنده وقوع تغییراتی جهانی در سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در گیر در بحران بود. این بحران جهانی، نشان داد که روسیه از تغییرات بعد از فروپاشی شوروی سابق به گونه‌ای سر برآورده که خود را قدرتی می‌داند که می‌تواند منافع حیاتی خود را در مناطق مختلف تأمین کند. اهمیت این بحران به حدی بود که تصوراتی از تغییرات جهانی متعاقب آن را برای تعقیب‌کنندگان مسائل جهان سیاست به دنبال داشت.

سؤال اصلی این مقاله این است که وقوع بحران در منطقه قفقاز جنوبی چه تأثیری بر چینش استراتژیک قدرت‌های مهم و فعال در منطقه داشته‌است؟

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا توضیحاتی در مورد قفقاز ارائه خواهد شد. سپس بحران بوجود آمده به صورت کوتاه مورد اشاره قرار می‌گیرد. در بخش بعد تأثیر این بحران بر ناتو، اتحادیه اروپایی، ایالات متحده و روسیه بررسی خواهد شد و در بخش آخر، تأثیر بحران بر جمهوری اسلامی ایران به صورت مجزا بررسی شده و پیشنهاداتی برای دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ارائه خواهد شد.

۱- بحران در قفقاز جنوبی

۱-۱- اهمیت ژئوپولیتیک گرجستان

قفقاز جنوبی، اهمیت ژئوپولیتیک زیادی در جغرافیای جهان داراست. در حال حاضر در قفقاز جنوبی گرجستان دارای اهمیت زیادی است. این کشور دریاچه غرب به سمت شرق است. غربی‌ها برای دسترسی به دریای خزر و آسیای مرکزی، به این دلیل که راه روسیه دارای مشکلات سیاسی است و از ایران هم نمی‌خواهند استفاده کنند، راهی جز گرجستان ندارند. گرجستان از گذشته هم دارای اهمیت زیادی بوده است و به عنوان گذرگاه نظامی، شمال و جنوب قفقاز را به هم ارتباط داده است (امیراحمدیان، ۱۳۸۵). انتقال نفت و گاز منطقه هم منوط به ثبات گرجستان است. زیرا خطوط مهم انرژی از این کشور می‌گذرد و از سوی دیگر هم برنامه‌هایی برای انتقال خطوط دیگری از این منطقه وجود دارد (باشویلی، ۱۳۸۴). گرجستان، حیاط خلوت امنیتی روسیه است. این کشور برای دسترسی به جنوب و ارمنستان راهی جز گرجستان ندارد.

از سوی دیگر، هم‌مرزی گرجستان با برخی استان‌های روسیه که دارای مشکلات جدایی‌طلبانه هستند، بر اهمیت این کشور برای روسیه افزوده است (کازمی، ۱۳۸۴: ۴۴۸). هم‌مرزی گرجستان با ترکیه و همچنین همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل بر اهمیت این کشور افزوده است. اسرائیل در این منطقه فعالیت نظامی دارد و به همین سبب، منافعی را در منطقه دنبال می‌کند. حضور رژیم صهیونیستی در منطقه باعث شده این منطقه برای جمهوری اسلامی هم دارای اهمیت زیادی شود. آمریکا هم برای این که بتواند محاصره ایران را در شمال کامل کرده و هم حضور فعالی در مرزهای جنوبی روسیه داشته باشد، به این منطقه چشم دوخته است. تمرین‌های مشترک نظامی با گرجستان و سفرهای متعدد مقامات بلندپایه آمریکا به این کشور کوچک و ضعیف به خوبی نشان‌دهنده همین مسئله است.

۱-۲- وقوع بحران در اوستیا

بحران قفقاز در زمان المپیک به وقوع پیوست. انتخاب این زمان برای عمل باعث شد تا این حادثه از پوشش خبری خوبی در سطح دنیا برخوردار باشد. در مورد این که این عمل از سوی چه کسی برنامه‌ریزی شده بود، نظرات متفاوتی وجود دارد ولی قدر مسلم این است که رئیس‌جمهور گرجستان این کار را با چراغ سبز غرب و آمریکا و با امید به حمایت آنها انجام داد (ایراس، ۸۷/۵/۲۱).

بحران با حمله نیروهای گرجستان به منطقه جدایی‌طلب اوستیای جنوبی آغاز شد. این بحران با قتل چندتن از نیروهای حافظ صلح روسی شکل جدی‌تری به خود گرفت و به سرعت شعله‌ور شد. ادامه بحران با عکس‌العمل سریع و قاطع روسیه آن هم به شکل نظامی، باعث جهانی شدن بحران گردید. (خبرگزاری فارس، ۸۷/۵/۲۴).

از آنجا که این مقاله بدنبال تکرار مطالب بیان شده توسط دیگران نیست و بر نتایج بحران متمرکز خواهد بود، از ذکر وقایع تاریخی خودداری می‌گردد.

این بحران اثرات عمیقی بر منطقه گذاشت که در مورد آثار آن بر ایران و روسیه مطالبی ذکر می‌شود. روابط ارمنستان با روسیه در اثر این بحران دچار مشکل شد. روسیه استقلال اوستیا را به رسمیت شناخت و ارمنی‌ها برای به رسمیت شناختن استقلال اوستیا، شرایطی برای روسیه قرار دادند که همین امر آینده روابط سیاسی روسیه و ارمنستان را در حاله‌ای از ابهام فروبرده است. تاکنون ارمنستان متحد روسیه در منطقه به حساب می‌آید ولی با مشکلات به وجود آمده، غرب

نیز به سمت این کشور متمایل شده است، زیرا برای حضور در منطقه به این پایگاه نیاز دارد. از سوی دیگر جایگاه خود ارمنستان متزلزل است و بدون حمایت روسیه در مقابل آذربایجان مشکل خواهد داشت.

این بحران از سوی دیگر، بر انتخابات آتی ریاست جمهوری در آذربایجان هم تأثیر خواهد داشت و باعث خواهد شد تا الهام علی اف بتواند به همین بهانه به مقابله و حذف رقبای سیاسی اش پردازد. در مورد توضیح اثر بحران بر کشورهای کوچک منطقه به همین مقدار اکتفا کرده و به قدرت‌های بزرگ درگیر در بحران می‌پردازیم.

۲- اثر بحران بر قدرت‌های حاضر در منطقه

۱-۲- ناتو و بحران قفقاز

علت پیدایش بحران قفقاز تلاش ناتو برای گسترش به شرق بود (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۷/۵/۲۴). لازم به یادآوری است که پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو^۱ یک تشکیلات امنیتی است و نه یک تشکیلات نظامی. این سازمان دارای یک قطب برتر است که همان آمریکاست. تعدادی اعضای سنتی و اعضای هم از اروپای جوان دارد. این سازمان، بعد از پایان جنگ سرد دو نمونه عملکردی بارز دارد: یکی در مناقشات منطقه بالکان و دیگری در افغانستان. اهداف ناتو بعد از پایان جنگ سرد عبارت بودند از:

۱- تبدیل شدن به نیروی جهانی

۲- تبدیل شدن به بازوی نظامی سازمان ملل

در این میان، برخی به مشکلات هویتی موجود در ناتو بین شرق و غرب اشاره دارند ولی باید گفت که این مشکلات جدی نیست (مهرورز، ۱۳۸۷).

از سال ۱۹۹۴ میلادی، طرح «مشارکت برای صلح» در ناتو به اجرا در آمده است. در این طرح اعضای جدیدی به ناتو اضافه شدند بدون این که این اضافه شدن، تعهدات عضویت در ناتو را، هم ناتو وهم عضو جدید، در پی داشته باشد. هدف از این عضویت هم پرداختن به دغدغه‌های امنیتی مشترک و انجام مانورهای مشترک بود.

گرجستان در این طرح مشارکت جدی و فعالی داشت و به همین جهت، طرح پیوستن این کشور

به ناتو به صورت جدی مطرح شد؛ مطرح شدن این طرح زنگ خطری برای روسیه بود. ناتو ماده‌ای در اساسنامه‌اش دارد که کشوری که درون مرزهایش مشکل حاکمیتی دارد، نمی‌تواند عضو ناتو شود (پایگاه اینترنتی ناتو). به همین دلیل گرجستان سعی داشت تا مشکلات درونی‌اش را حل و فصل کند. قبل از این هم دولت مرکزی سعی داشت تا به همین وسیله، مشکلاتش را با آجارها حل کند که توسل به زور در مورد آنها موفقیت‌آمیز بود. به همین دلیل ساکاشویلی، رئیس‌جمهور گرجستان، تصور کرد که می‌تواند مشکلاتش را در شمال هم بدین وسیله حل و فصل کند. بحران گرجستان نشان داد که ناتو هنوز این توانایی را ندارد که به راحتی به نیرویی جهانی تبدیل شود، زیرا در این بحران نتوانست آن گونه که انتظار می‌رفت از گرجستان در مقابل روسیه حمایت کند.

۲-۲- روسیه و بحران قفقاز

در مورد روسیه باید گفت که:

- روسیه دوران امنیت‌سازی درونی را در دوران پوتین سپری کرده است.
- روسیه درک کرده که پیمان‌های امنیتی با غرب به ضررش است.
- روسیه نیاز به نمایش قدرت در داخل و خارج از مرزهایش دارد.
- روسیه با حمله گرجستان به استان جدایی‌طلب اوستیای جنوبی با قدرت برخورد کرد. روسیه با این کار می‌خواست نشان دهد که دیگر روسیه ضعیف و رنجوری که عکس‌العملی در بحران بالکان نشان نداد، نیست بلکه روسیه به قدرتی رسیده که در بحران قفقاز قاطعانه عمل می‌کند. این برخورد سریع و جدی نشان داد که قفقاز برای روسیه دارای اهمیت راهبردی است.
- با عملکرد سریع و برخورد خشن روسیه، هژمونی آمریکا در جهان توسط روسیه زیر سؤال رفت (ایراس، ۸۷/۵/۲۱). روسیه در آینده نزدیک استراتژی جدیدی برای دریای سیاه تعریف می‌کند و به تبع آن استراتژی جدیدی برای خزر خواهد داشت. مدودوف اعلام کرد که روسیه تا سال ۲۰۲۰ میلادی به سمت ایجاد چتر دفاع فضایی حرکت و اسکادران جدید استراتژیک زیردریایی ایجاد خواهد کرد (جام‌جم آنلاین، ۸۷/۷/۲). با اتفاقاتی که افتاد، روسیه به خوبی نشان داد که با گسترش ناتو به شدت مخالف است و بیش از این اجازه افزایش نفوذ غرب در این منطقه را نخواهد داد.

۲-۳- اروپا و بحران قفقاز

در تقسیم‌بندی منافع و حوزه نفوذ کشورها در این منطقه، گرجستان زیرمجموعه اتحادیه اروپایی و به خصوص کشور آلمان بود. به همین دلیل، آلمان بیشترین ضرر را از این برخورد و درگیری داشته است (کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). در این درگیری اروپا به این جهت که حوزه نفوذش را از دست داد و از سوی دیگر نتوانست از منافع خودش حمایت کند، ضرر زیادی کرد. از سوی دیگر چند ماه قبل، اروپا با روسیه برای انجام مذاکرات راهبردی به توافق رسیده بود ولی با این اتفاق دریافت که نمی‌توان به روسیه اعتماد کرد.

ضمناً باید توجه داشت که روسیه برای اروپا منبع تأمین انرژی است. حدود چهل درصد نفت و سی درصد گاز اروپا از روسیه تأمین می‌شود و به همین جهت درگیر شدن با روسیه عواقب خوبی برای اروپا ندارد (باشویلی، پاییز ۸۴).

به همین دلیل اتحادیه اروپا به دنبال راهی برای کاهش انحصار روسیه در تأمین انرژی بود و به حوزه خزر، نگرش آلترناتیو داشت. راه انتقال این انرژی هم گرجستان بود (باشویلی، پاییز ۸۴) که با این بحران، امنیتش به شدت زیر سؤال رفت.

البته در این میان نکات مثبتی هم برای اروپا وجود داشت. فرانسه به عنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا با ارائه طرح صلح و تلاش‌های دیپلماتیک در این زمینه، نشان داد که اروپا این ظرفیت را دارد که در مسائل جهانی وارد شده و مدیریت امر را بر عهده بگیرد.

در زمینه گسترش ناتو، این بحران باعث شد تا مخالفت اروپایی‌ها با گسترش ناتو بیشتر شود. احساس خطر از درگیری با همسایه قدرتمندی مثل روسیه و همچنین خطر مشکلات تأمین انرژی باعث شد جناح میانه‌روی اروپا شامل آلمان و فرانسه نظر مثبتی در مورد گسترش ناتو نداشته باشد و حتی از اظهار نظر صریح در مورد بحران هم خودداری کرده و به صورت کامل مسکوم را محکوم ننماید.

در زمینه اروپای جوان، مسئله به صورت دیگری است. این بحران ترس از روسیه را بیشتر کرد. کشورهای اروپایی که در زمان جنگ سرد عضو بلوک شرق و زیر سلطه شوروی بودند، به شدت احساس خطر کردند. از قبل هم زمزمه حرکت روسیه به سمت تسلط بر این کشورها مانند آنچه در زمان شوروی سابق وجود داشت، شنیده می‌شد ولی با این عمل، ترس این کشورها بسیار بیشتر شد.

در نتیجه این امر درخواست کشورهای منطقه برای پیوستن به ناتو افزایش یافته است. از دیگر

نتیجه‌های این بحران رفتن کشورهای منطقه به سمت ایالات متحده است. این بحران باعث شد تا آمریکا بتواند بدون هزینه زیادی، کشورهای منطقه را بیشتر به سمت منافع خود جلب کند.

۲-۴- ایالات متحده و بحران قفقاز

بدون شک یکی از علت‌های اصلی شروع بحران، چراغ سبز ایالات متحده به ساکاشویلی بود. این تصور که آمریکا از گرجستان حمایت می‌کند باعث شد تا گرجستان این عمل حساب نشده و نادرست را انجام دهد (ایراس، ۸۷/۵/۲۱). در این بحران لبه اصطلاح روسیه و اروپا تیز شد و این به نفع آمریکا بود. ایالات متحده با این بحران توانست به اروپا نشان دهد که تلاش‌هایش برای نزدیکی به روسیه فایده‌ای ندارد و نمی‌تواند منافع این اتحادیه را در درازمدت تأمین کند. در این بحران، آمریکا تلاش کرد تا نگاه‌ها از عراق به سمت گرجستان منحرف شود و با استفاده از همین فرصت، موافقت‌نامه امنیتی با عراق را به آسانی و بدون تبلیغات منفی منعقد کند، که این کار عملی نشد. آمریکا حیثیت بین‌المللی روسیه را از بین برد؛ چون روسیه در مقابل بحران به وجود آمده برخورد نظامی داشت ولی ایالات متحده سعی کرد تا بحران را به صورت سیاسی حل و فصل کند.

آمریکا از بحران گرجستان استفاده زیادی کرد. ایالات متحده با استفاده از این بحران، روسیه ترسی و ترس از غول روسیه را ایجاد کرد. این ترس از روسیه در اروپای شرقی باعث شد تا ایالات متحده بتواند قرارداد استقرار سپر دفاع موشکی در لهستان را بدون هزینه امضا کند. هزینه برآورد شده برای این قرارداد حدود بیست میلیارد دلار بود (مهرورز، ۱۳۸۷). ایالات متحده در حال حاضر به دنبال ایجاد برتری در چندجانبه‌گرایی به جای ادامه ایفای نقش در هیئت هژمون است. به همین دلیل است که با گسترش ناتو به عنوان سازمانی که در آن دست بالا را دارد، موافق است و از این به بعد هم بر آن اصرار خواهد ورزید. اما در مورد این که آیا درگیری روسیه و آمریکا به نوعی زنده‌کننده جنگ سرد جدیدی است، باید توجه داشت که تقابل روسیه و آمریکا در مسائل مختلف جهانی به دو دسته مختلف تقسیم می‌شود:

- درگیری راهبردی در مورد سپر موشکی در چک و لهستان و حوزه نفوذ در اوکراین و گرجستان؛

- درگیری تاکتیکی در مواردی مثل بحث هسته‌ای ایران.

نکته دیگر قابل توجه در این زمینه دکترین امنیت ملی مدودف، رئیس جمهور روسیه است. این دکترین شامل اصول ذیل است:

- روسیه به هیچ وجه به بازگشت به دوران جنگ سرد فکر نمی کند؛
 - روسیه سعی خواهد داشت تا مشکلات با غرب را به صورت مسالمت آمیز حل کند؛
 - روسیه به دنبال چالش با غرب نیست ولی به منافع ملی خودش فکر می کند.
- همان طور که به خوبی از این دکترین مشخص است، روسیه نمی خواهد با ایالات متحده وارد تقابل شود بلکه وارد رقابت با آمریکا شده است. در رقابت، مبادله در توزیع منافع داریم و حوزه عمل، کشوری است. به همین دلیل امکان وقوع جنگ سرد جدید دور از ذهن به نظر می رسد.

۳- بحران قفقاز و جمهوری اسلامی ایران

منطقه اوستیا از لحاظ تاریخی، ساکنانی ایرانی داشته است. حضور ایرانیان در این منطقه تأثیراتش را بر فرهنگ منطقه به خوبی به ارث گذاشته است. از سوی دیگر این منطقه به سبب مشکلات موجود و تلاش های جدایی طلبانه موجود در آن، در میان بخش های شمالی و جنوبی اش، جایگاه خوبی برای حضور سیاسی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای است (ایملیانووا، ۱۳۸۵).

بحران به وجود آمده در منطقه قفقاز و در روابط میان روسیه و گرجستان، فرصت ها و تهدیداتی را برای جمهوری اسلامی در پی داشت که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. بحران مذکور این فرصت را برای جمهوری اسلامی به وجود آورد که بتواند خود را به عنوان آلترناتیو روسیه در تأمین انرژی برای اروپا نشان دهد. جمهوری اسلامی هم سعی کرد که این را با اروپایی ها مطرح کند، نمونه آن هم در سخنرانی وزیر نفت در اسپانیا مشاهده شد (جام جم آنلاین، ۸۷/۶/۳۱).

البته در این مورد به این دلیل که اروپایی ها به ایران اعتماد ندارند، کار سخت است و باید کار زیادی صورت گیرد. اما در هر صورت، این امکان برای ایران به وجود آمد که بتواند جایگزین روسیه در تأمین انرژی اروپا باشد. ایران به سبب دارا بودن دومین حجم ذخایر نفت و گاز جهان، می تواند این مهم را انجام دهد. تأمین انرژی اروپا به خصوص در مورد گاز جدی تر است. ایران به سبب داشتن گاز و همچنین امکان اتصال با خط لوله به اروپا این امکان را دارد که بتواند جایگزین روسیه در تأمین گاز باشد. خط لوله موجود میان ترکیه و ایران نیز این امکان را تقویت می کند. استفاده از این امکان به بهره برداری هوشمندانه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی از شرایط بستگی دارد.

در روابط جمهوری اسلامی با کشورهای قفقاز هم فرصت‌های جدیدی به وجود آمده که باید از آنها حداکثر استفاده صورت گیرد. قفقاز به این سبب که در حوزه نفوذ ایران قرار دارد، عرصه خوبی برای فعالیت و حضور جدی جمهوری اسلامی است و باید به سبب فعال شدن دشمنان ایران در این منطقه، همواره از حضور ایران در آن حمایت کرده و آن را ادامه داد. مسائل جدید بوجود آمده در مورد کشورهای منطقه عبارتند از:

۱- این بحران به یکباره آذربایجان را در تنگنای عمل قرار داد. زیرا این کشور متمایل به غرب، در محاصره ارمنستان و روسیه قرار گرفت. ایران، با عمل سریع و تأمین برخی از نیازهای فوری آذربایجان نشان داد که می‌تواند در بحران‌های منطقه‌ای عکس‌العمل سریع داشته باشد. از سوی دیگر این بحران باعث شد تا آذربایجان خود را نیازمند ایران ببیند و فرصتی پدید آید که جمهوری اسلامی بتواند این کشور را به خود به صورت استراتژیک، وابسته کند.

۲- بحث دیگر در مورد ارمنستان است. بحران به وجود آمده و تقابل موضع ارمنستان و روسیه سبب شد تا ارمنستان به عنوان امید غرب برای حضور در منطقه تلقی شود. سفر به موقع مقامات سیاسی ایران به ارمنستان و قول تأمین نیازها، توانست این کشور را آرام نگاه داشته و به حمایت ایران امیدوار سازد. از سوی دیگر خطر حضور غرب و رژیم اسرائیل در مرزهای شمالی ایجاب می‌کند تا روابط ما با ارمنستان مستحکم باقی بماند.

۳- روابط همزمان ایران با آذربایجان و ارمنستان نشان داد که جمهوری اسلامی این پتانسیل را دارد که همزمان با دو طرف متخاصم در منطقه، روابط خوبی داشته و به همین سبب امکان مدیریت بحران‌های منطقه‌ای را نیز فراهم آورد.

مسئله دیگر در مورد بحران قفقاز، فرصت‌های دیگر پدید آمده برای ایران است. جمهوری اسلامی می‌تواند از این بحران در جاهای گوناگون استفاده‌های زیادی به عمل آورد. برای مثال، ایران می‌تواند از این موضوع در ارتباط با شیخ‌نشین‌های خلیج فارس استفاده کند. عدم حمایت ایالات متحده از گرجستان که متحد این کشور در قفقاز بود، گواه خوبی است که اتکاء زیاد به آمریکا، کار صحیحی نیست و اعراب باید با درس گرفتن از آن، در منطقه نیز همین روش را دنبال کنند. بنابراین همین بحران می‌تواند به عنوان محرکی جهت حرکت کشورهای منطقه خلیج فارس به سمت تشکیل یک پیمان امنیتی منطقه‌ای باشد.

به هر صورت هم‌اکنون رقابت روسیه و غرب برای تعیین جایگاه هر کدام جدی بوده و این فرصت برای ایران همچنان باقی است و سیاست خارجی امکان‌های زیادی دارد.

نتیجه

هدف این مقاله، پاسخ‌گویی به این سؤال بود که وقوع بحران در منطقه قفقاز جنوبی چه تأثیری بر چینش استراتژیک قدرت‌های مهم و فعال در منطقه داشته است؟ برای همین منظور، اثر این بحران بر ناتو، اتحادیه اروپایی، روسیه، ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران بررسی گردید. البته با توجه به کمی مجال و کوتاهی فرصت، اهم مسائل مورد اشاره قرار گرفت. وقوع بحران در قفقاز و تبدیل این درگیری کوچک در مدتی کوتاه به بحرانی عظیم و جهانی نشان داد که منطقه آستان حوادث بسیاری است. از سوی دیگر این بحران به خوبی از تغییر چینش قدرت در سطح جهان و میان قدرت‌های بزرگ و تلاش روسیه برای داشتن جایگاهی که این کشور برای خود متصور است، خبر داد. در انتها باید دوباره تأکید کرد که رقابت‌های جدید آمریکا و روسیه تازه شروع شده و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از آن استفاده زیادی به عمل آورد.

منابع

- ---- (۱۳۸۷)، نبرد پنهان دو قطب، جنگ روسیه و آمریکا در اوستیای جنوبی، ایراس، ۸۷/۵/۲۱
- ---- (۱۳۸۷)، **خبرگزاری جمهوری اسلامی**، بحران اوستیای جنوبی، تلاش گرجستان برای اعمال حاکمیت خود بر این مناطق، ۲۴ مرداد.
- ---- (۱۳۸۷)، **خبرگزاری فارس**، اوستیای جنوبی: مروری بر یک بحران، ۸۷/۵/۲۴
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۵)، جاده نظامی گرجستان و گذرگاه داریال، **فصلنامه ایراس**، سال اول، شماره دوم.
- ایملیانووا، م.ن. (۱۳۸۵)، ایران در تاریخ قفقاز؛ با تأکید بر آستیا، ترجمه علیرضا عاملی، **فصلنامه ایراس**، سال اول، شماره یک.
- باشویلی، جرج نانو (۱۳۸۴)، نقش گرجستان در تقویت امنیت سیر انتقال انرژی شرق به غرب، منتشره در: سیدرسول موسوی؛ قاسم ملکی، **مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، آینده نگری به سامانه‌های انرژی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جام‌جم آنلاین، www.jamejamonline.ir
- مهرورز، آسیه (۱۳۸۷)، مناقشه قفقاز: نبرد در گستره‌ای کوچک؛ امتیازگیری از صحنه‌ای بزرگ، **نمای راهبردی**، سال ششم، شماره نهم، شهریور ماه.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۴)، **امنیت در قفقاز جنوبی**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.